

بررسی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی در حمایت از بزه دیدگان قاچاق انسان

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۸

مجتبی ستوده گندشمین^۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۲۸

رقیه دیندار بوسجین^۲

چکیده

زمینه و هدف: قاچاق انسان یکی از پدیده‌های در حال رشد عصر حاضر است که به عبارتی، شکل جدید و امروزی برده‌داری محسوب می‌گردد. اصولاً قربانیان قاچاق انسان عمدتاً در معرض شرایط غیرانسانی قرار دارند و در نتیجه متحمل آسیب‌های روانی، جنسی و فیزیکی می‌شوند که موج این آثار تا مدت‌های زیادی در جامعه و اشخاص باقی خواهد ماند. در پی شبکه‌ای شدن، سازمانی شدن، بسط یافتن قاچاق انسان در دیگر جرایم، قاچاق انسان موجب زایش انواع آسیب‌های خرد و کلان اجتماعی شده است. در کانون این آسیب‌ها افراد قربانی قرار دارند، اما در سطح اجتماعی این آسیب‌ها ساختارهای مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و آن‌ها را متأثر از خود می‌سازند.

روش تحقیق: این مقاله بر اساس روش اسنادی با ماهیت تحلیلی-توصیفی نگارش شده است.

یافته‌ها: حمایت از بزه دیده جرم قاچاق انسان خصوصاً کودکان و زنان و مهاجرین به دلایل انسانی و ارزش‌های حقوق بشری و از آن‌رو است که او، بزه دیده جرم و نه مرتکب آن است و حمایت از او به همکاری بزه دیده با سازمان عدالت کمک می‌کند و همچنین مانع از بزه دیدگی مجدد او می‌شود.

نتیجه‌گیری: از مهم‌ترین حمایت‌هایی که در کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حمایت از این بزه دیدگان آمده است، عدم مجازات بزه دیده برای جرایمی که در فرآیند قاچاق انسان به انجام آن مجبور شده‌اند، تأمین مسکن یا جان‌پناه مناسب، کمک‌های مادی، اجازه اقامت، خدمات پزشکی و روان‌شناختی، آموزش شغلی و برنامه‌های توان‌بخشی، ارائه اطلاعات، مشورت‌ها و کمک‌های حقوقی و تسهیل مشارکت بزه دیده در دادرسی، خدمات ترجمه و ... می‌توان اشاره کرد.

واژگان کلیدی: قاچاق انسان، بزه دیده، حمایت از بزه دیده، کنوانسیون بین‌المللی

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیکی، گروه حقوق، تهران، ایران (نویسنده مسئول، snow.man.1983@chmail.ir)

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیکی، گروه حقوق، تهران، ایران



مقدمه

قاچاق انسان یکی از پدیده‌های در حال رشد عصر حاضر است که به عبارتی، شکل جدید و امروزی برده‌داری محسوب می‌گردد. به علت تغییرات سریع در شکل و میزان پیچیدگی این پدیده، در تمامی کشورهای جهان احساس می‌شود. سازمان ملل معتقد است که قاچاق انسان پس از قاچاق مواد مخدر و اسلحه، سومین تجارت کثیف ولی پرسود در دنیاست. این عمل جنایتکاران بیشترین و سریع‌ترین رشد را به خود اختصاص داده است؛ زیرا شمار افرادی که در این جنایت دخیل هستند، قابل توجه است. منافی که عاید سازمان‌های جنایتکار می‌گردد فراوان و ماهیت این جرایم چندمنظوره است؛ زیرا فقط به بهره‌برداری جنسی محدود نمی‌شود بلکه جنبه اقتصادی هم داشته و نوعی برده‌داری کلاسیک نیز می‌باشد (علیپور، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

امروزه ابعاد و شیوه‌های قاچاق انسان تغییری گسترده یافته که کار اجباری تنها یکی از ابعاد آن بشمار می‌رود و کشورهای زیادی اعم از کشورهای فقیر و کشورهای غنی را در همه قاره‌ها درگیر ساخته است. بسیاری از تحلیلگران معتقدند آنچه امروزه با نام قاچاق انسان مطرح است، رابطه‌ای با برده‌داری دارد. آن برده‌داری سرانجام در اواخر سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم پس از قرن‌ها ملغی گردید، ولیکن ابعاد و رویه‌های مشابه آن به‌گونه‌ای دیگر همچنان باقی است (بیابانی و سوری، ۱۳۹۰: ۲).

قاچاق انسان، جرمی مغایر کرامت انسانی و حقوق بشر قلمداد می‌شود که مبارزه مؤثر با آن در پرتو راهبردهای پیشگیری از وقوع آن، حمایت از بزه دیده آن و تعقیب کیفری مرتکب آن است. حمایت از بزه دیده جرم قاچاق انسان خصوصاً کودکان و زنان و مهاجرین به دلایل انسانی و ارزش‌های حقوق بشری و از آن‌رو است که او، بزه دیده جرم و نه مرتکب آن است و حمایت از او به همکاری بزه دیده با سازمان عدالت کمک می‌کند و همچنین مانع از بزه دیدگی مجدد او می‌شود. بر این مبنا، اسناد فراملی مثل پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان سازمان ملل متحد و کنوانسیون اقدام ضد قاچاق انسان شورای اروپا، تدابیر حمایتی کمیته‌ای را که به بهبودی جسمی، روانی و اجتماعی بزه دیده کمک می‌کند، پیش‌بینی کرده‌اند (عینی، ۱۳۹۰: ۲۴).

قاچاق انسان که عبارت است از تصدی‌گری در امر خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد (اعم از زن یا مرد) از مرز کشور با توسل به اجبار و اکراه یا تهدید یا حيله و نیرنگ یا با سوءاستفاده قاچاقچی از قدرت یا موقعیت خود یا وضعیت خاص فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشا و بهره‌کشی جنسی و اقتصادی یا برداشت اعضاء یا وادار کردن به بردگی اجباری یا ازدواج (بیگی، ۱۳۸۹: ۲۶)، درواقع یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حقوق بشر است که ابعاد زیان‌بار آن امنیت و سلامت روحی و روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع را در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی به خطر می‌اندازد، تا جاییکه حتی جنبش‌های طرفدار حقوق بشر به‌ویژه جنبش‌های حامی حقوق زنان و کودکان هم به‌سختی می‌توانند بر روند جریان‌های ظالمانه حاکم بر جوامع در این زمینه، تأثیر بگذارند (موثقی و اسفندیاری، ۱۳۸۷: ۲۸۸). افزون بر آن، به دلیل نابرابری و ضعیف بودن موقعیت اجتماعی بزه‌دیدگان نسبت به جنایتکاران قاچاق انسان، در صورت عدم اتخاذ اقدامات امنیتی چه بسا بزه‌دیدگان هرگز جرأت شکایت و اعلام جرم را پیدا نکنند (سلیمی، ۱۳۸۳: ۵۲). باندهای تبهکاری از یکسو قربانیان را از واکنش مقام‌های دولت محل اقامت می‌ترسانند و از سوی دیگر چنان‌چه قربانیان بخواهند علیه این باندها شکایت کنند یا به‌هنگام دستگیر شدن بخواهند در مورد سوءاستفاده‌کنندگان خود اطلاعاتی به مقام‌های دولتی داده یا علیه آن‌ها شهادت دهند، همواره نگران انتقام‌جویی آن‌ها خواهند بود و لذا بزه‌دیدگان به عنوان شاهدان عینی این جنایت، تنها در صورتی حاضر به همکاری می‌شوند که اطمینان یابند تضمین کافی نسبت به جان آن‌ها در مقابل احتمال انتقام‌جویی عوامل قاچاق وجود دارد. از این‌رو محاکم باید از قربانیان و خانواده آن‌ها که به عنوان شاهد به دادگاه می‌آیند، در مقابل احتمال انتقام از طرفه‌ای مقابل، با اتخاذ تدابیر لازم و مقتضی حمایت کنند.

اصولاً قربانیان قاچاق انسان عمدتاً در معرض شرایط غیرانسانی قرار دارند و در نتیجه متحمل آسیب‌های روانی، جنسی و فیزیکی می‌شوند که موج این آثار تا مدت‌های زیادی در جامعه و اشخاص باقی خواهد ماند. بنابراین ضرورت تحقیق و پژوهش پیداست که قاچاق انسان لطمات جبران‌ناپذیری بر پیکر قاچاق‌شدگان وارد می‌نماید. به همین علت جامعه بین‌المللی بخش وسیعی از امکانات و نیروهای قضایی و پلیسی خود را با صرف انرژی فراوان



بکار گرفته‌اند تا از این پدیده شوم جلوگیری کرده و از بزه‌دیدگان این‌گونه جرایم سازمان‌یافته با بعد فراملی حمایت نمایند. بنابراین در این نوشتار بر آنیم تا سیاست جنایی حقوق بین‌الملل اعم از اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی را در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان بردگی و قاچاق انسان مورد بررسی قرار دهیم.

پیشینه تحقیق

ضمن اینکه جرم انگاری و تعیین مجازات برای مرتکبان قاچاق انسان امری لازم و ضروری است، توجه به بسته‌سیاستی و مجموعه راهکارها و از جمله حمایت‌های قضایی، عاطفی، روانی، پزشکی و اجتماعی از اهمیت یکسانی برخوردارند (صادق نژادنائینی، ۱۳۸۷: ۱۴).

بر اساس اسناد فراملی مثل پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص به‌ویژه زنان و کودکان ملل متحد و در رتبتی برتر کنوانسیون اقدام علیه قاچاق انسان شورای اروپا، تدابیر حمایتی مختلفی را که به بهبودی جسمی، روانی و اجتماعی بزه‌دیده کمک می‌کند و او را برای بازگشت موفق به خانواده و اجتماعش یاری می‌کند، مقرر کرده‌اند. سه مورد از این تدابیر عبارت‌اند از: تأمین امنیت و سلامت بزه‌دیده؛ جبران خسارات قربانی و کمک به بازگشت ترجیحاً اختیاری بزه‌دیده به جامعه مبدأ. سیاست جنایی ایران باید از راهبرد حمایت از بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان استقبال کند و قوه قانون‌گذاری ایران تدابیر حمایتی مناسب و از جمله تدابیر سه‌گانه مزبور را، پیش‌بینی کند (عینی نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۹).

یکی از پدیده‌هایی که جوامع انسانی در طول در زمان حاضر، کم‌وبیش با آن مواجه است، مسئله قاچاق انسان می‌باشد که بیشترین قشر بزه‌دیده این جرم را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. آنچه که بیشتر از همه بزه‌دیدگی این دو قشر را به همراه دارد معیارهای زیستی آنان، یعنی جنسیت زنان و سن کودکان، است. نتایج نشان می‌دهند آسیب‌پذیرتر بودن زنان و کودکان نسبت به سایر اشخاص ضرورت حمایت ویژه یا افتراقی از این دو گروه را ایجاب می‌کند. این حمایت‌ها می‌تواند از یک‌طرف جنبه حقوقی و قضایی و از طرف دیگر جنبه پیشگیرانه و غیر قضایی داشته باشد. در همین راستا در سطح بین‌المللی اسناد مختلفی

به تصویب رسیده است. اما تنها سندی که به‌طور خاص جنبه‌های گوناگون حمایت از بزه دیدگان قاچاق انسان، مخصوصاً زنان و کودکان، را مدنظر داشته است، کنوانسیون مقابله با جرایم سازمان یافته پالمو و پروتکل الحاقی آن است. در ایران علی‌رغم تصویب قانون خاصی تحت عنوان قانون مبارزه با قاچاق انسان در سال ۱۳۸۳، با اکتفا به جنبه حمایت کیفری، به دیگر جنبه‌های حمایتی پیش‌بینی شده در کنوانسیون پالمو و پروتکل آن توجه نشده است (ابراهیمی سنو، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

قاچاق زنان به‌عنوان یک بزه در ایران، سابقه طولانی قانونی ندارد و جای پای آن را باید در قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ یافت. باین‌حال این بزه با دو چالش روبه‌رو است، یکی کم‌رنگ بودن سرزنش اخلاقی و دیگری تن دادن خودخواسته زن بزه دیده به قاچاق شدن. رضایت بزه دیده به قاچاق، سبب می‌شود تا هم جامعه و هم مرتکبان، قاچاق را رفتار سرزنش‌پذیری ندانند و از آنجا که قاچاق بیشتر در کشورهایی که فضای امنیتی یا شرایط بد اقتصادی دارند؛ رخ می‌دهد، به‌گونه‌ای رهایی برای قاچاق شده به شمار می‌رود. بنابراین سرکوب کیفری قاچاق به‌ویژه با ضمانت اجراهای سنگین هرچند ضروری است؛ ولی از میان برداشتن پدیده قاچاق زنان در گرو فراهم ساختن امکانات رفاهی همه‌جانبه و قوانین پیشگیری و پیگیری می‌باشد. (یارانی، ۱۳۸۹: ۲۱).

مبانی نظری تحقیق

۱- تعریف قاچاق انسان

قاچاق انسان^۱ از جمله اصطلاحی مبهم و بسیار مناقشه‌آمیز است و تاکنون تعریف جامعی از آن به عمل نیامده که مورد توجه همگان باشد. سازمان ملل عناصر جرم قاچاق را به ۴ دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از: استخدام، رسید و وجه، جابجایی و استثمار (لی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). اما تعریفی که از قاچاق انسان می‌توان ارائه داد عبارت است از: استخدام، انتقال، تحویل گرفتن، پناه دادن خارج یا وارد ساختن مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به‌وسیله تهدید یا به‌کارگیری زور یا دیگر اشکال تحمیل از قبیل اکراه، اجبار، خدعه یا نیرنگ، آدم‌ربایی،



تقلب، فریب، و یا سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یادشده، به‌منظور بهره‌کشی، فحشاء، خدمات اجباری، بردگی برداشت اعضا و جوارح، ازدواج، فرزندخواندگی دروغین و غیرقانونی و... صورت گیرد (قوام ملکی، ۱۳۸۸).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد قاچاق انسان را این‌گونه تعریف کرده است: «حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار با هدف نهایی و داشتن زنان و دختران به وضعیت‌های بهره‌کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی به‌منظور سود به کارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار و نیز دیگر فعالیت‌های مرتبط با قاچاق همچون کار خانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزندخواندگی دروغین» (گرهارد، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

سالت و استین^۱ درباره قاچاق انسان می‌نویسند: «یک تجارت بین‌المللی که مستلزم سیستمی از شبکه‌های نهادینه‌شده با حساب‌های سود و زیان پیچیده است که شامل سازمان، عاملان و افراد است که هر یک به دنبال سود تجاری هستند. این نظام با اجرای انواع مختلفی از امور مربوط به برنامه‌ریزی، جمع‌آوری اطلاعات، تأمین بودجه، امور فنی و عملیاتی حفظ می‌شود. این کارها به‌وسیله سازمان‌های کوچک‌تر یا بزرگ‌تر قاچاق به شکل تقسیم کار امکان‌پذیر است» (لی، ۱۳۸۸: ۱۵۴).

کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز می‌گوید: «هنگامی که شخصی با تشویق، نیرنگ یا اجبار کشور خود را ترک و با وعده مبتنی بر زندگی بهتر و آسوده‌تر به کشورهای دیگر برده و در کشور جدید تحت شرایطی شبیه به اسارت و بردگی بکار گمارده شود، قاچاق انسان صورت می‌گیرد» (قرائی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

۲- گستره و ابعاد مسئله قاچاق انسان

اصولاً جرم قاچاق انسان مغایر با کرامت انسانی و نقض حقوق بشر است (اسکریونکوا، ۲۰۰۶: ۲۳۰ و فولمارتو-راب، ۲۰۰۹: ۱۴ و ۲۹) و ابعاد حقوق بشری قاچاق انسان موجب می‌شود تا در فرآیند مبارزه با این بزه وظایف و تکالیفی بر دولت‌ها، به‌عنوان مخاطبین اصلی حقوق

بشر، تحمیل شود که از مهم‌ترین آن‌ها حمایت حقوق بشر مدارانه از بزه دیدگان جرم است؛ به‌گونه‌ای که در مرکز همه تلاش‌هایی که توسط دولت‌ها در واکنش علیه قاچاق انسان صورت می‌گیرد، حقوق بشر و رفاه بزه دیدگان مدنظر قرار می‌گیرد (پیتروویکز، ۲۰۰۹: ۱۸۳). راهبرد حمایت از بزه دیده احترام به آموزه‌های حقوق بشری و از آن‌روست که بزه دیده قاچاق انسان، بزه دیده یک جرم شدید است و نه مرتکب آن و از سوی دیگر حمایت از او نقشی به سزا در پیشگیری از تکرار جرم قاچاق انسان خصوصاً قاچاق زنان و کودکان و مهاجرین (قاچاق دومین) ایفاء می‌کند (هودگ، ۲۰۰۸: ۱۵۱)؛ از این‌رو اسناد فراملی مربوط به قاچاق انسان موضوع حمایت از بزه دیده جرم را به‌عنوان یکی از راهبردهای اصلی یک سیاست جنائی سنجیده و جامع علیه جرم قاچاق انسان قلمداد کرده‌اند.

قاچاق انسان در این دو دهه اخیر رشد بسیاری کرده و اکنون می‌توان گفت که تقریباً در تمامی کشورها این پدیده وجود دارد. البته با توجه به حساسیت پدیده و نامرئی و زیرزمینی بودن آن ابعاد و گستره آن نیز چندان روشن و دقیق نیست و آمارهایی که از مراجع مختلف ارائه می‌شود، تفاوت‌هایی را با یکدیگر نشان می‌دهند. اما شکل کلی این آمارها تا حدود زیادی نمایانگر گستردگی قاچاق انسان است. در ۳۰ سال گذشته، بیش از ۳۰ میلیون زن و کودک در جهان قاچاق شده‌اند (اکبری، ۱۳۸۳). کارشناسان نهادهای دولتی و سازمان‌های غیردولتی رقم زنان و کودکان قاچاق شده در سطح بین‌المللی را بین ۷۰۰۰۰۰ تا ۲ میلیون در سال برآورد کرده‌اند. این رقم قاچاق درون مرزی را به حساب نیاورده است (ریچارد، ۱۹۹۹: ۵). بنا بر گزارش مرکز بین‌المللی مهاجران که در ۸۹ کشور جهان دفتر دارد، سالانه ۶۰۰ هزار زن و دختر بچه ربوده شده و با تهدید به مرگ و آوار به خودفروشی می‌شوند. اما سازمان امنیت و همکاری اروپا آمار دیگری ارائه می‌دهد که سالانه بین ۷۰۰ هزار تا ۲ میلیون زن کودک قربانی برده‌داری دنیای امروز می‌شوند. دولت آمریکا این رقم را سالانه ۲ میلیون زن و دختر بچه تخمین می‌زند (علیپور، ۱۳۸۸). بر طبق گزارش‌ها دولت آمریکا ۸۰۰۰۰۰ نفر هر ساله از ۱۲۷ کشور جهان به آمریکا قاچاق می‌شوند. سازمان بین‌المللی کار ملل متحد تخمین زده که ۱۲,۳ میلیون نفر امروز به‌عنوان برده در حال کار کردن هستند. دیگر برآوردها



تعدادی بیش از ۲۷ میلیون نفر را تخمین زده‌اند. در حدود ۸۰٪ از بردگان مدرن امروزی زنان هستند، که ۷۰٪ از آنان مورد بهره‌برداری جنسی قاچاق می‌شوند و برآورد شده که ۵۰٪ از بردگان کودکان (شلی، ۲۰۱۰: ۵).

۳- آسیب‌های متوجه بزه دیدگان قاچاق انسان

در پی شبکه‌ای شدن، سازمانی شدن، بسط یافتن قاچاق انسان در دیگر جرایم، قاچاق انسان موجب زایش انواع آسیب‌های خرد و کلان اجتماعی شده است. در کانون این آسیب‌ها افراد قربانی قرار دارند، اما در سطح اجتماعی این آسیب‌ها ساختارهای مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند و آن‌ها را متأثر از خود می‌سازند.

۳-۱- آسیب‌های فردی

قاچاق انسان مستقیماً و در درجه اول خود افراد قاچاق شده را دچار آسیب و زیان می‌کند. قاچاقیان و زورگویان نوعاً به استفاده بیش از حد خشونت علیه قربانیان برای حفظ کنترل بر روی آن‌ها شناخته شده‌اند. اعمال کمتر تهدیدآمیز در آنان، مصادره اسناد، تعیین حد و حدود برای قربانیان در محیط کاری یا تهدید آن‌ها به اخراج را در بر می‌گیرد. اعمال بیشتر تهدیدآمیز اعمالی چون نظارت دائمی قربانیان، تهدید علیه قربانی یا خانواده قربانی در کشور مبدأ، خشونت شدید شامل خال کوبی بدن قربانیان، سوزاندن آن‌ها با سیگار، آزار بدنی و تجاوز را شامل می‌شود (وکس و نیبر، ۲۰۰۰: ۳).

بعلاوه، این قربانیان نیازمند حمایت احساسی و روانی نیز هستند. به علت تعامل آن‌ها با مشتریان، روسپیان تماس بیشتری به نسبت با این افراد (یعنی مشتریان) تا بهره‌برداران خودشان دارند. این شانس آن‌ها را برای اینکه آن‌ها در پی کمک، فرار یا مورد توجه و مرحمت از سوی توانگران قرار گیرند را افزایش می‌دهد. برای جلوگیری از چنین اتفاقی، زنان جوان اغلب بین گروه‌های مجرم یا بین شهرها، ایالت‌ها یا کشورها گردانده می‌شوند (ریچار و

1. Shelley

2. Vocks and Nijboer

کندال^۱ (۱۹۹۹: ۲۸).

این حرکت حساب‌شده از سوی گروه‌های مجرم باعث می‌شود تا قربانیان نتوانند هیچ‌گونه پیوند یا شبکه اجتماعی مناسبی را ایجاد و خود را از دست این گروه‌های مجرم رها کنند. در خصوص زنان مهاجر و قاچاق‌شده عواملی وجود که موجب می‌شوند شدت این امر دو چندان شود و نهایتاً این عوامل زنان را بیشتر آسیب‌پذیر می‌کنند. یکی از این عوامل، زندگی کردن در دو فرهنگ مختلف و غالباً متناقض و همچنین زندگی در بستری است که آن‌ها منزوی شده و بیگانه تلقی می‌شوند. مهم‌تر از همه اینکه این زنان بدون مدرک و هویت هستند و حالت ناپایداری دارند و محدودیت‌های قانونی به آن‌ها تحمیل می‌شود (راج و سیلورمن، ۲۰۰۲: ۳۶۹). بعلاوه تحقیقات نشان داده است که زنان مهاجری که مورد تعرض واقع می‌شوند، کمتر از زنان غیر مهاجر درصدد تحصیل کمک‌های رسمی (مثل خدمات حقوقی و پزشکی) یا کمک‌های غیررسمی (مثل حمایت اجتماعی) برمی‌آیند و این امر بازهم آسیب‌پذیر بودن آن‌ها را بیشتر می‌کند (همان: ۳۸۱).

معمولاً افراد قاچاق‌شده به علت ناآشنایی به محیط، ندانستن زبان کشور مقصد و مهاجرت غیرقانونی (قاچاق) برای رهایی از قاچاقیان توانایی لازم را ندارند. قاچاقیان و کارفرمایان در محیط‌هایی که اشخاص قاچاق‌شده را به کار وامی‌دارند تدابیری اتخاذ می‌نمایند تا مانع از فرار آن‌ها بشود از جمله ضبط مدارک شناسایی این افراد. رفتار پلیس کشور مقصد و شیوه برخورد محاکم قضایی و ترس از اخراج و بازگردانده شدن به کشور مبدأ و احتمال باز بزه دیدگی نیز از دیگر عوامل آسیب‌پذیری محسوب می‌شود (عصار و بیابانی، ۱۳۸۶: ۲۵) در مجموع تمام این موارد باعث می‌شوند تا پدیده قاچاق از حیث آسیب‌های فردی و کنترل بر روی قربانیان این پدیده به نهایت برسد و آنان را در وضعیت بردگی و انقیاد کامل فرو برد.

۳-۲- آسیب‌های اجتماعی

افزایش قاچاق انسان در یک جامعه برابر با افزایش فساد، ناتوانی و غیر مولد بودن عده‌ای از افراد جامعه که به دیگر بخش‌ها نیز آسیب می‌رساند و در نتیجه آن افزایش ناامنی، ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی متعددی به بار خواهد آمد. آسیب‌های اجتماعی را که



مولود قاچاق انسان‌اند چنین‌اند:

الف - آسیب به نهاد خانواده: از جمله مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی ناشی از قاچاق انسان فروپاشی و اضمحلال نهاد خانواده است. پدیده قاچاق عموماً ساختار خانواده را شکننده می‌سازد و افراد قربانی قاچاق پیوندهای خود با دیگر اعضای خانواده از دست می‌دهند و احتمال اینکه دوباره به آغوش خانواده برگردند و شخصیت خود را در آن بازسازی کنند بسیار اندک است. زیرا حتی بازگشت به خانواده، آنان با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد (رمضان نرگسی، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

ب - آسیب‌های بهداشتی: قربانان قاچاق معمولاً در یک وضعیت بهداشتی ناسالم به سر می‌برند و حاملین بسیاری از بیماری‌ها می‌شوند. پدیده قاچاق انسان علاوه بر اینکه یک موضوع حقوق بشر محسوب می‌شود، به دلیل ابتلای گسترده بسیاری از قربانیان قاچاق به ویروس H.I.V و دیگر بیماری‌های مقاربتی تبدیل به یک نگرانی عمومی برای سلامت جامعه شده است (شهبازی، ۱۳۸۱: ۷۶).

پ - افزایش تبعیض و خشونت‌های قومی و نژادی: رواج پدیده قاچاق انسان در هر جامعه‌ای باعث ناهمگونی در بافت انسانی آن جامعه می‌شود و در هر منطقه‌ای یک آرایشی از فرادستان و فرودستان جامعه شکل می‌گیرد. افزایش شمار زیادی از مهاجران غیرقانونی و افراد قاچاق شده به یک منطقه باعث افزایش تبعیض، خشونت‌های قومی و نژادی نسبت به اقلیت‌ها می‌شود (شلی، ۲۰۱۰: ۷).

ت - افزایش خرده‌فرهنگ‌های منحرف در جامعه: قاچاق انسان به گسترش خرده‌فرهنگ‌های منحرف در جامعه کمک می‌کند. این فرهنگ انحرافی، که محصول دسترسی به وسایل ارتباط جمعی جهانی، چون اینترنت، ماهواره و استفاده مداوم از فیلم‌های غیرمجاز نظیر آن است، شخصیت اجتماعی افراد، ارزش‌ها و هنجارهای او را تغییر می‌دهد، به طوری که فرد را در گروه‌های دوستی به‌سوی تشکیل خرده‌فرهنگی سوق می‌دهد که با ارزش‌ها و هنجارهای اصلی جامعه، مخالف و یا حتی گاهی در تضاد است. افزایش شاخص‌هایی نظیر سنت‌گریزی، احساس تنهایی، بیگانگی اجتماعی، کاهش گرایش‌های مذهبی و اخلاقی و

گرایش به تجملات، نشانه جذب فرد در خرده‌فرهنگ‌های منحرف می‌باشد (رمضان نرگسی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

ث- **آسیب و فساد اقتصادی در جامعه:** اقتصاد قانونی که اغلب خرده‌قراردادهایی با این عوامل فروشنده در عرصه قاچاق انسان ایجاد می‌کند با استفاده از نیروی کار، بهره‌برداری‌ها و سودهای مالی زیادی به دست می‌آورد. بین اقتصادهای قانونی و غیرقانونی یک ارتباط و همزیستی در این نوع از بازارهای کاری وجود دارد. مثلاً در ایتالیا تخمین زده شده است که اقتصاد زیرزمینی ۲۸٪ از تولید ناخالص داخلی این کشور را در برمی‌گیرد (مجله تجارت هفتگی، ۲۰۰۰: ۶۸-۵۷). گروه‌های جرم سازمانی که از دل قاچاق انسان پدید آمده‌اند، شکلی بسیار هوشمند به خود گرفته‌اند. ادمولی ایت‌آل گروه‌های سازمان‌دهی شده جرم را این‌گونه که بیشتر انعطاف‌پذیر و تمرکز زده شده‌اند و اینکه این حالت روبه افزایش است توصیف کرده است. این ساختار قابل‌انعطاف و همکاری افزایش یافته با دیگر گروه‌های جنایی اجازه می‌دهد به سازمان‌دهی دوباره فعالیت‌های غیرقانونی برخلاف تهدیدهای قانونی، درخواست برای خدمات و شماری از تعهدات انجام شود. این اشتراک خرده واحدهای جنایی متخصص، خدمات و مهارت‌های خاصی را که ممکن است از جهتی خارج از محدوده سازمان مجرمانه باشند را فراهم می‌کند و سازمان را برای سازگاری سریع با فرصت‌های جدید بازار قادر می‌سازد. گروه‌های جنایی در حال انطباق با شرایط، فرصت‌ها و بازارهای جدید هستند (ادمولی و دیگران^۱، ۱۹۹۸: ۴).

۴- مبانی و دلایل حمایت از بزه دیده جرم قاچاق انسان

انسان از آن‌رو که دارای کرامت است از حقوقی برخوردار است و این حقوق فارغ از نژاد، رنگ، مذهب، ملیت، وضعیت اقامت و... محترم است. پاسداشت این حقوق اساسی که حقوق بشر نام دارد در درجه نخست از مسئولیت دولت‌هاست و براین اساس دولت‌ها وظیفه می‌یابند که از نقض حقوق بشری یا انسانی اشخاص ولو توسط مأمورین خود جلوگیری کنند و در صورتی که حقوق انسانی آن‌ها نقض شد با سازوکار مناسب قضائی و اداری و مساعدت به وی، بر اعاده



حقوق نقض شده او اهتمام ورزند(فولمار اتو- راب، ۲۰۰۹: ۳۳). قصور دولت‌ها در این موارد، ضرورت پاسخ‌گوئی آن‌ها در مقابل نهادهای بین‌المللی مثل شورای حقوق بشر را، فراهم می‌کند(شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۰۹: ۵ و ۱۰-۹). جرم قاچاق انسان از معدود جرایمی است که در فرآیند وقوع آن به‌طور آشکار و برجسته بسیاری از حقوق اساسی و بنیادی اشخاص مثل حق آزادی، امنیت و خلوت او نقض می‌شود و رفتارهایی که بزه دیده این جرم با آن مواجه می‌شود، تباین آشکاری با کرامت و شأن انسانی او دارد؛ فریب، زور، آدم‌ربائی، روسپی‌گری اجباری، کار اجباری، خشونت و... فقط برخی از عناصر چنین رفتاری را تشکیل می‌دهند(پیترویکز، ۲۰۰۹: ۱۸۵).

تردید باقی نیست این فرآیند با شأن یک انسان فاصله دارد، از این‌رو قاچاق انسان، نقض حقوق بشر و مغایر کرامت انسانی قلمداد شده است(گالاگر، ۲۰۰۵: ۱۸۷) و هر دولتی که با این رفتار خلاف بشری مواجه است، وظیفه می‌یابد تا اولاً نسبت به تعقیب مرتکبین جرم اقدام کند و ثانیاً با ترتیب دادن اقدامات اداری و قضائی مناسب در جبران حقوق پایمال شده او و اعاده آن بکوشد. این وظایف حمایت‌گرایانه فارغ از وضعیت مهاجرت و اقامت شخص و حتی همکاری او با مقامات صلاحیت‌دار در تعقیب مرتکب جرم، باید اعمال شود والا کوتاهی و قصور آن دولت، موضوع نقض حقوق بشر را مطرح می‌کند(درو، ۲۰۰۹: ۴۸-۴۷). بر اساس آنچه آمد، مبنای حمایت از بزه دیده جرم قاچاق انسان را باید در ارزش‌های حقوق بشری و الزامات آن جستجو کرد، زیرا قاچاق انسان گونه‌های متفاوتی از حقوق انسانی اشخاص را به نحو شدیدی از میان می‌برد و مغایر حقوق بشر است؛ پس هر دولتی ملزم به حمایت از بزه دیده آن می‌شود. چنین الزامی با ارزش‌های اسلامی نیز که بر دستگیری از اشخاص آسیب‌پذیر دلالت دارد، سازگار است(دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد؛ مبارزه با قاچاق انسان وفق اصول حقوق اسلامی، ۲۰۱۰: ۳۳).

از سوی دیگر کمک به بزه دیده و حمایت از او تدبیری پیشگیرانه است که می‌تواند از قاچاق و بزه‌کاری مجدد(دومین) جلوگیری کند و برعکس آن رها کردن بزه دیده جرم، موجباتی را فراهم می‌کند تا بزه دیدگانی مثل کودکان یا مهاجرین که به‌ویژه از وضعیت آسیب‌پذیری برخوردارند، گرفتار گروه‌های جنایتکار و قاچاقچیان انسان شده و در نتیجه بزه دیده مجدد

شوند (هودگ، ۲۰۰۸: ۱۵۱ و اسکریونکوا، ۲۰۰۶: ۲۳۱). برخی گزارشها حکایت از آن دارد که تعدادی از بزه دیدگان قاچاق انسان را؛ افرادی تشکیل می‌دهند که گرفتاری آن‌ها در دام قاچاقچیان فقط به یک مورد محدود نشده است و برای دومین بار بزه دیده قاچاق انسان شده‌اند (لوئیز هرز، ۲۰۰۶: ۲۵).

دلایل مذکور از آن‌چنان قوتی برخوردار است که اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای یکی از راهبردهای کلان برای مبارزه با این پدیده را در تمهید اقدامات حمایتی مناسب تشخیص و به آن تصریح کرده‌اند و به دنبال آن در قوانین ملی برخی کشورها تحت تأثیر این راهبرد اقدامات حمایتی ویژه‌ای مقرر شده است.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی و تحلیل حقوقی صورت گرفته است. در تنظیم پژوهش از روش اسنادی و ابزار کتابخانه استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

چنانکه آمد، اسناد بین‌المللی و فراملی تحت تأثیر آموزه‌های حقوق بشر محور و انسانی، حمایت از بزه دیده جرم را به‌عنوان یکی از راهبردهای مؤثر علیه قاچاق انسان مورد توجه قرار داده‌اند؛ از این رو ماده ۲۵ کنوانسیون جرم سازمان یافته فراملی، تحت عنوان «کمک و حمایت از بزه دیدگان» پیش‌بینی شد و به دنبال آن پروتکل پالمو در ماده ۲ یکی از اهدافش را کمک و حمایت از بزه دیدگان قاچاق اشخاص اعلام کرده است. در بخش دوم پروتکل مزبور تحت عنوان حمایت از بزه دیدگان قاچاق اشخاص طی مواد ۶، ۷ و ۸ به چگونگی و گونه‌های متفاوت حمایت از بزه دیدگان قاچاق اشخاص اشاره شده است.

در اسناد اروپایی، کنوانسیون ورشو نیز، همانند پروتکل پالمو، در بخش اول آن یکی از اهداف خود را حمایت از حقوق بشر بزه دیدگان قاچاق انسان معرفی می‌کند و در بخش سوم طی مواد ۱۰ تا ۱۶ به اقدامات و تمهیدات مختلف حمایت از بزه دیدگان قاچاق انسان تصریح می‌کند. لازم به ذکر است که کنوانسیون ورشو فقط مختص کشورهای اروپایی نیست



و همچنان که در ماده ۴۳ آن مقرر شده است، هریک از دولت‌های غیر اروپائی نیز می‌توانند براساس سازوکار پیش‌بینی‌شده در ماده مزبور به آن ملحق شوند؛ چنانکه دولت آمریکا کنوانسیون مزبور را امضاء کرده است. در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپائی نیز فقط برخی کشورها مثل فرانسه، انگلیس و هلند آن‌ها امضاء و تصویب کرده‌اند (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۱۳). ولی کشور آلمان در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵ آن‌ها امضاء ولی هنوز تصویب نکرده است (مور هوس، ۲۰۰۹: ۱۹۳).

در اسناد مذکور، گونه‌های متفاوتی از حمایت‌ها شامل شناسایی بزه دیده، تأمین امنیت او، ترتیب دادن زندگی شایسته برای وی و مشارکت او در فرآیند دادرسی و جبران خسارت از وی، اشتغال، وضعیت اقامت و... مقرر شده است و به نظر می‌رسد کنوانسیون ورشو از این حیث جامع‌تر است. اما قبل از تشریح این موارد، اشاره به چند موضوع در این خصوص ضروری است: ۱- اجرای بسیاری از اقدامات و تمهیدات حمایتی به تنهایی از عهده دولت‌ها بر نمی‌آید و در این راه باید بر اساس یک سیاست جنائی مشارکتی، به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) به یاری دولت‌ها اقدام کنند (لایدهولت، ۲۰۰۶: ۹۱). به این امر در پروتکل پالرمو (ماده ۶) و کنوانسیون ورشو (ماده ۱۲) نیز اشاره شده است. در کشور آلمان نزدیک به چهل مرکز مشورتی غیردولتی ایجاد شده است که در زمینه‌های مختلفی به بزه دیدگان مشورت می‌دهند و در طول دادرسی کیفی حمایت از آن‌ها را بر عهده دارند و آن‌ها را یاری می‌کنند (فولمار اتو-اب، ۲۰۰۹: ۲۷). همچنین ۳ وزارتخانه مختلف ملاحظات مربوط به قاچاق انسان را تنظیم می‌کنند (اسچیمت، ۲۰۰۸: ۶). در کشور انگلستان و در شهر لندن، تأمین برخی از نیازمندی‌های بزه دیدگانی که مورد بهره‌کشی جنسی قرار گرفته‌اند، بر عهده یکی از سرمایه‌داران مستقل است (اسکات-هارپر، ۲۰۰۶: ۳۱۳).

۲- با آنکه بزه دیدگان قاچاق انسان، در بیشتر کشورها، شامل زنان و به‌منظور روسپیگری است (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد؛ قاچاق اشخاص، ۲۰۰۹: ۱۶-۲۱؛ بتسی یوکووا، ۲۰۰۷: ۴۷). اما بهره‌کشی از کار و خدمات دیگری (بهره‌کشی اقتصادی) نیز یکی از مقاصد قاچاقچیان است که گاه مردان را درگیر کرده است (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد؛ قاچاق اشخاص، ۲۰۰۹: ۲۰-۲۲).

قبل از هر چیز شناسایی بزه دیدگان جرم ضروری است.

۱- شناسایی بزه دیدگان

به‌منظور رفع هرگونه ابهامی کنوانسیون ورشو به تعریف بزه دیده جرم اشاره و دربند ث ماده ۴ مقرر کرده است: «بزه دیده به معنای هر شخص طبیعی است که در معرض قاچاق انسان است» (عینی، ۱۳۹۰: ۱۰).

نظریه اینکه شناسایی بزه دیدگان قاچاق انسان، برای استفاده از مزیت‌ها و یا اعمال حمایت‌های مقرر، نقشی مهم ایفا می‌کند، کنوانسیون مزبور، برخلاف پروتکل پارمو که ساکت است، به‌عنوان اولین تمهید حمایتی (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۱۰) برای بزه دیدگان قاچاق انسان، به موضوع شناسایی آن‌ها تصریح کرده است (فولمار اتو-راب، ۲۰۰۹: ۳۸). شناسایی بزه دیدگان تدبیری مناسب است که به مقامات صلاحیت‌دار اجازه می‌دهد برای پیگیری حمایت‌های قانونی لازم از بزه دیدگان آسیب‌پذیر و به‌ویژه کودکان و زنان، با اطمینان خاطر اقدام کنند. براین اساس، دولت‌ها به‌موجب کنوانسیون ذکر شده ملزم هستند تا مأمورین صلاحیت‌دار و آموزش‌دیده را با اختیارات لازم پیش‌بینی کنند و اگر شخصی را بزه دیده قلمداد می‌کنند از کشور خود منتقل نکنند تا روند شناسایی وی تکمیل شود. در فرآیند شناسایی یک نفر به‌عنوان بزه دیده، ممکن است ۲ مرحله واقع گردد:

الف- داوری اولیه ولی غیرقطعی در مورد بزه دیده بودن یک شخص؛

ب- تصمیم قطعی مبنی بر بزه دیده بودن یا نبودن یک شخص (شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۴۶). مأمورین صلاحیت‌دار در فرآیند شناسایی افراد به‌عنوان بزه دیده قاچاق انسان، باید به ملاحظاتی چون سن، جنسیت، وضعیت مهاجرت و اقامت، ترس از انتقام، سوابق فرهنگی، وضع جسمانی (بیماری) و سایر اوضاع و احوال فرد توجه کنند (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد؛ مجموعه ابزار، ۲۰۰۸: ۲۵۵) و اگر سن بزه دیده نامشخص و احتمال کودک بودن او به نحو منطقی مطرح باشد، او را کودک فرض کنند.

۲- عدم مجازات بزه دیده

از حربه‌های مؤثری که قاچاقچیان انسان به‌ویژه علیه بزه دیدگان آسیب‌پذیر و خارجی استفاده می‌کنند، گذشته از ضبط مدارک هویتی یا گذرنامه آن‌ها، ترساندن ایشان از دستگیری



و تعقیب به خاطر جرایمی مثل ورود و اقامت غیرقانونی یا حسب مورد اشتغال به روسپیگری غیرقانونی است. این موضوعات بزه دیدگان را وادار می‌کند که به خواسته‌های نامشروع آن‌ها پاسخ مثبت دهند یا به رفتارهای نامشروع خود ادامه دهند تا پس از دام قاچاقچیان انسان، گرفتار پلیس و دادگستری که احتمالاً زندانی یا اخراج را به دنبال می‌آورد، نشوند.

قاچاقچیان انسان نیز با اطمینان از ثمربخشی این روش‌ها به رفتارهای مجرمانه خود و گرفتار کردن بزه دیدگان ادامه می‌دهند. به همین جهت از تدابیری که می‌تواند دلگرمی لازم را برای بزه دیدگان جهت قطع ارتباط با تبهکاران فراهم کند و به همکاری آن‌ها با مقامات صلاحیت‌دار جهت تعقیب و دستگیری قاچاقچیان انسان بیانجامد، عدم تعقیب بزه دیدگان قاچاق انسان (همان: ۲۵۴) به خاطر جرایمی است که مرتکب شده‌اند و انجام آن‌ها معمولاً با رضایت و اراده آزاد آن‌ها انجام نگرفته است؛ این تدبیر باید فارغ از هر شرطی مثل تعهد همکاری با پلیس اعمال شود. این امتیاز مانع از آن است که حقوق انسانی بزه دیده (مثل آزادی) یک‌بار توسط قاچاقچیان و بار دیگر توسط دولت (مثلاً با سلب آزادی آن‌ها) نقض شود. به‌غیر از برخی رهنمودهای غیر الزامی یا تصمیماتی مثل قطعنامه ۵۵/۶۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون جرم سازمان یافته فراملی و پروتکل پالرمو وظیفه صریح و قاطعی را در این مورد برای دولت‌ها پیش‌بینی نکرده‌اند. (همان: ۲۵۶) ولی کنوانسیون ورشو، در ماده ۲۶ موضوع امکان عدم تحمیل مجازات بر بزه دیدگان جرم را به خاطر دخالت آن‌ها در فعالیت‌های نامشروع، تا حدی پذیرفته است که در انجام آن‌ها مجبور شده‌اند (گالاگر، ۲۰۰۶: ۱۷۸). به عبارت بهتر، به نظر می‌رسد کنوانسیون مزبور نیز مانند پروتکل پالرمو جرم قاچاق انسان را بر پایه عدم رضایت بزه دیده جرم و در فرضی که از وسایل نامشروعی چون فریب یا زور استفاده می‌شود، مقرر می‌کند ولی مجازات نکردن بزه دیده را به خاطر سایر رفتارهای نامشروع، مثل ورود یا اقامت غیرقانونی منوط به اثبات دفاع اجبار می‌کند.

۳- تدابیر حمایتی مربوط به اقامت بزه دیده

۳-۱- دوره بهبودی: انجام بهینه فرآیند شناسایی بزه دیدگان و درک عمیق‌تر از وضعیتی که منجر به قاچاق آن‌ها شده است، همچنین تمهید وضعیتی که طی آن بزه دیده خود را از نفوذ قاچاقچیان رهایی داده و زمینه بهبودی جسمی-روانی و عاطفی وی فراهم

شود (مور هوس، ۲۰۰۹: ۱۹۳)، موجبات طرح این ایده را فراهم کرد که جامعه مقصد از بازگرداندن و اخراج فوری بزه دیده پرهیز کند، زیرا اخراج فوری آن‌ها گذشته از آنکه امکان بزه دیدگی مجدد آن‌ها را موجب می‌شود، جریان عدالت علیه قاچاقچیان انسان را که می‌تواند به استناد اطلاعات و شهادت بزه دیده جرم باشد، عقیم می‌گذارد. به همین جهت از تدابیر شایان توجهی که به‌ویژه در اسناد اروپائی مربوط و در راستای حمایت و اقامت بزه دیده از بزه دیدگان مورد توجه قرار گرفت، موضوع تجویز ماندن در کشور مقصد برای دوره‌ای کوتاه تحت عنوان «دوره بهبودی» است. در این دوره امکان بهبودی نسبی بزه دیده فراهم خواهد شد و بر اساس تصمیم آگاهانه بزه دیده می‌توان با شهادت او، به تعقیب و محکومیت کیفری مجرمین اقدام کرد. برای اولین بار این موضوع در ماده ۶ دستورالعمل شورای اتحادیه اروپائی مورخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۴ در مورد «اجازه اقامت صادره برای اتباع کشورهای ثالث که بزه دیدگان قاچاق انسان‌اند» و برای اتباع کشورهای عضو اتحادیه اروپائی نیستند، پیش‌بینی شد. ولی دستورالعمل مزبور مدت این دوره را مشخص نکرد، پس از آن کنوانسیون ورشو در ماده ۱۳ به «دوره بهبودی» اشاره کرده و تحت تأثیر پیشنهاد مجلس اروپا، آن‌ها برای مدت حداقل یک ماه پیش‌بینی کرد و پیشنهاد ۳ ماه را رد کرد (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۱۱-۲۱۰).

بر اساس کنوانسیون یاد شده، در طی این مدت اخراج اجباری بزه دیده ممکن نخواهد بود و بزه دیده مستحق دریافت حمایت‌های مادی، روان‌پزشکی و به‌طور کلی کمک‌های مقرر در بند ۱ و ۲ ماده ۱۲ است که برای آن‌ها تمهید شده است (شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۵۱؛ دور، ۲۰۰۹: ۷۲). با وجود این، بند ۳ ماده ۱۳ کنوانسیون مزبور، پیش‌بینی می‌کند که مراعات دوره مزبور به دلیل نظم عمومی و یا برملا شدن ادعاهای نادرست شخص، برای دولت‌ها الزامی نیست. کشور آلمان تحت تأثیر اسناد فراملی به‌ویژه کنوانسیون ورشو با اصلاح مقررات مهاجرت خود، به بزه دیدگان قاچاق انسان یک دوره بهبودی که شامل چهار هفته است، اعطاء می‌کند (مور هوس، ۲۰۰۹: ۱۹۴).

۳-۲- اجازه اقامت: «دوره بهبودی» مطابق با دستورالعمل مذکور و کنوانسیون ورشو ممکن است برای تمامی بزه دیدگان منظور شود. (فولمار اتو-راب، ۲۰۰۹: ۳۹) اما دوره مزبور، حق اقامت را برای همه بزه دیدگان فراهم نمی‌کند (مور هوس، ۲۰۰۹: ۱۹۲؛ شورای اروپا،



۲۰۰۵: ۵۲) و اقامت مشروع بزه دیدگان در کشور مقصد در هر حال نیازمند اجازه اقامت است. «دوره بهبودی» از جهتی فرصتی است برای کشورهای مقصد که وضعیت بزه دیده را برای صدور اجازه اقامت به گونه‌ای عمیق‌تر بررسی کنند.

مطابق دستورالعمل ۲۰۰۴ شورای اروپا، صدور اجازه اقامت ۶ ماهه و قابل تمدید برای بزه دیده پس از دوره بهبودی و منوط به همکاری شخص با مقامات صالح قضائی است (فولمار اتو - راب، ۲۰۰۹: ۳۹). به همین دلیل برخی دستورالعمل مزبور را از این حیث که بزه دیدگان را به عنوان شاهدان بالقوه معرفی می‌کند، فرصت طلبانه می‌دانند (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۰۹). اما، کنوانسیون ورشو در ماده ۱۴ اجازه اقامه دعوا برای بزه دیدگان را اعم از همکاری آن‌ها با مقامات صالح برای انجام تحقیقات و دادرسی کیفری دانسته و مقرر کرده است: «هر دولتی برای بزه دیدگان اجازه اقامت تجدید شدنی را در مورد وضعیت‌های الف، ب یا هر دو مورد زیر صادر خواهد کرد:

الف) مقام صالح تشخیص دهد که ماندن آن‌ها به خاطر وضعیت شخصی‌شان ضروری است؛
ب) مقام صالح تشخیص دهد که ماندن آن‌ها به خاطر همکاری‌شان با مقامات صلاحیت‌دار در تحقیقات یا دادرسی کیفری ضروری است..»

بر اساس کنوانسیون مزبور، صدور اجازه اقامت توسط مقامات صلاحیت‌دار اولاً پس از دوره بهبودی است و ثانیاً منوط به همکاری شخص با مقامات صالح نیست و ثالثاً مهلت معینی نیز ندارد و قابل تمدید است (درو، ۲۰۰۹: ۷۳-۷۲). همچنین عدم تمدید یا انصراف از اجازه اقامت مطابق شرایط مقرر در حقوق ملی هر کشور است و رد درخواست اجازه اقامت مانع از بهره‌مندی شخص از تدبیر دیگری چون حق پناهندگی سیاسی نیست. با صدور اجازه اقامت، شخص از همه حمایت‌ها و کمک‌های مقرر در بندهای ۱-۲-۳-۴ ماده ۱۲ کنوانسیون ذکر شده برخوردار می‌شود (شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۵۲-۵۱).

پروتکل پالمونیز در بند ۱ و ۲ از ماده ۷، از دولت‌ها می‌خواهد تا بر اساس ملاحظات بشردوستانه و ارفاقی در مواردی که مناسب می‌دانند موضوع اقامت موقت یا دائمی بزه دیدگان در قلمرو خود را مورد توجه قرار دهند. از کشورهای مقصد چون آلمان و هلند با تأثیرپذیری از اسناد اشاره شده، با اصلاح مقررات خود ترتیبی اتخاذ کرده‌اند که امکان اقامت برخی از

بزه دیدگان و به‌ویژه جهت شهادت آن‌ها علیه قاچاقچیان فراهم شده است (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۱۳؛ بوز، ۲۰۰۹: ۱۱۸). در کشور آمریکا نیز با اجازه مقامات صلاحیت‌دار، بزه دیدگان جرم با دریافت T-visa امکان اقامت موقت یا در مواردی حضور ممتد و طولانی مدت را تحصیل می‌کنند. (نم، ۲۰۰۷: ۱۶۸۳) در نظام حقوقی ایتالیا نیز بزه دیدگان قاچاق انسان می‌توانند اجازه اقامت را تحصیل کنند (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۱۵؛ ونترلا، ۲۰۰۷: ۴۰).

۲- کمک‌های ناظر بر بهبودی جسمی، روانی و اجتماعی بزه دیدگان

با آنکه بزه دیدگان قاچاق انسان، نیازهای گوناگونی دارند ولی تأمین پاره‌ای از نیازهای ضروری و مبرم آن‌ها، بهبودی جسمی، روانی و اجتماعی آن‌ها را تأمین می‌کند. در این قسمت به مواردی اشاره می‌کنیم که برای تحقق هدف بهبودی بزه دیده، ضروری است و حتی مشروط به خواست بزه دیده نیز نیست (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۱۰). به این موارد در بند ۳ ماده ۶ پروتکل پالمو و بند ۱ ماده ۱۲ کنوانسیون ورشو تصریح شده است.

۲-۱- مسکن و جان‌پناه: بزه دیدگانی که توسط پلیس دستگیر می‌شوند، در برخی کشورها اخراج یا تحت تعقیب قرار می‌گیرند و در نهایت روانه بازداشتگاه‌ها می‌شوند (مارتینز، و هانتلی و گومز، ۲۰۰۵: ۱۵). فرجام بزه دیدگانی نیز که از دست قاچاقچیان فرار می‌کنند، به‌واسطه آنکه محل مناسبی برای سکونت و بیتوته در اختیار ندارند و نیازهای مادی نیز آن‌ها را احاطه می‌کند، بزه دیدگی مجدد و گرفتاری دوباره در دام قاچاقچیان انسان و به دنبال آن عدم گزارش موضوع و استمرار رفتارهای ناپسند قاچاقچیان است. بنابراین از تمهیدات مناسب برای بزه دیدگان، تأمین یک معیشت شایسته است (گالاگر، ۲۰۰۶: ۱۷۶) که از معیارهای مهم آن محل مناسب و امنی (خانه/منزل) است تا از قرار گرفتن آن‌ها در کنار سایر بزه‌کاران (بازداشتگاه و زندان) اجتناب شود و بزه دیدگان بتوانند با احساس امنیت به بهبودی خویش کمک کنند (شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۴۸).

پروتکل پالمو در ماده ۳-۱-الف بایبانی ضعیف و غیر الزامی (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۰۶) و کنوانسیون ورشو در ماده ۱۰-۱-الف به موضوع مسکن با دو ویژگی مناسب امن تصریح کرده‌اند تا بدین‌وسیله این پیام را به دولت‌ها منعکس کنند که از فرستادن بزه دیدگان به بازداشتگاه‌ها امتناع کنند و حتی اگر از منابع لازم برای اسکان همه بزه دیدگان برخوردار



نیستند، از جای گرفتن آن‌ها در یک محل مناسب و مطمئن ولو توسط گروه‌های مردم‌نهاد، اطمینان یابند(شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۴۸).

بدیهی است که نیازهای خاص کودکان و آسیب‌پذیری آن‌ها تأمین مسکن مناسب و خاص برای آن‌ها را ضروری می‌سازد. به‌طور کلی خانه‌های امن باید بر اساس گروه‌های هدف(مردان، زنان و کودکان) برنامه‌ریزی شوند و برای آنکه امنیت بزه دیدگان تأمین شود، باید آدرس آن‌ها مخفی بماند(همان: ۴۷).

۲-۲- کمک‌های مادی: استانداردهای یک معیشت و زندگی شایسته، علاوه بر تأمین مسکن و جان‌پناه مناسب و امن به کمک‌های مادی برای بزه دیدگان نیز تسری می‌یابد که دولت‌ها به تأمین آن اقدام می‌کنند. این کمک‌ها شامل مواردی از قبیل غذا، لباس، حمل‌ونقل(محلی) زبان و سایر دوره‌ها و رده‌ها و... است. روش‌های ارائه کمک‌های مادی به بزه دیدگان متنوع ولی غالباً عبارت‌اند از:

کمک مالی مستقیم به بزه دیدگان از منابع دولتی مثلاً به‌صورت مستمری ماهیانه؛ کمک مادی مستقیم از ناحیه سازمان‌ها و مؤسسات مسئول برای حمایت از بزه دیدگان قاچاق انسان؛ این کمک‌ها شامل غذا، لباس و حتی در مواردی مسکن و ... است.

کمک‌های مالی مستقیم به بزه دیدگان که شامل دسترسی به میزان معینی پول است گذشته از آنکه مانع انجام پاره‌ای رفتارهای مجرمانه و نامناسب مثل سرقت‌های کوچک و یا تکدی می‌شود، موقعیتی را ایجاد می‌کند که بزه دیده تصمیمات روزانه خود را کنترل و منابع مالی‌اش را به خوبی مدیریت کند(دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد؛ مجموعه ابرار، ۲۰۰۸: ۳۷۴). به لحاظ تأثیر کمک‌های مادی در بهبودی بزه دیدگان، ماده ۳-۶ پ پروتکل پالمو آن‌ها مورد تصریح قرار داده است. کنوانسیون ورشو، ارائه کمک مادی به بزه دیدگان را از معیارهای یک معیشت و زندگی شایسته معرفی و دولت‌های متعاقد را به پیش‌بینی قانون و ارائه آن ملزم کرده است(رافالی، ۲۰۰۹: ۲۱۰؛ گالاگر، ۲۰۰۶: ۱۷۶).

۲-۳- خدمات پزشکی و روان‌شناختی: بزه دیدگان در فرایند انجام قاچاق انسان به بیماری‌های گوناگون و در برخی موارد خطرناک چون ایدز و هیپاتیت مبتلا و از آن در رنج‌اند؛ از این‌رو تمامی بزه دیدگان قاچاق انسان نیازمند سطحی از کمک‌های پزشکی هستند(گروه

حقوق بشر بین‌المللی، ۲۰۰۲: ۲۱). برخی از آن‌ها به کمک‌های فوری و اضطراری پزشکی و برخی دیگر به خدمات آزمایشگاهی متعدد نیاز دارند. همچنان که برخی از آن‌ها به خاطر سوءمصرف مواد مخدر و روان‌گردان، به میل خود یا اجبار قاچاقچیان و برای کنترل بر آن‌ها، نیازمند سم‌زدائی و شروع دوره درمانی مربوط هستند. (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، مجموعه ابزار، ۲۰۰۸: ۳۶۷) و برخی دیگر چون زنان، کودکان و جوانان آسیب‌پذیری بیشتری داشته و نیازمند حمایت‌های گسترده‌تر و قوی‌تری هستند. علاوه بر این حمایت‌های پزشکی، دلیل مناسبی در اختیار بزه دیدگان قرار می‌دهد تا با بهره‌گیری از آن علیه قاچاقچیان اقامه دعوی کنند اما ویژگی بیشتر بزه دیدگان در این است که از منابع کافی برای درمان‌های پزشکی برخوردار نیستند.

برنامه‌های حمایتی روان‌شناختی در پرتو اقداماتی مثل ترمیم ارتباط شخص با دیگران و ترمیم حس کرامت و عزت‌نفس و... است. این اقدامات بر مبنای کمک به بزه دیدگان برای غلبه بر فشارها و آسیب‌های روانی و پیشرفت در بهبودی کامل روانی و فراهم کردن موجبات ورود و استقرار مجدد او در جامعه‌اش استوار است (شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۴۸). پیوند بهبودی بزه دیده با حمایت‌های پزشکی و روان‌شناختی موجب شده است که پروتکل پالمو در ماده ۳-۶ پ بر ارائه کمک‌های مزبور به بزه دیدگان تصریح کند اگرچه دولت‌ها معتقدند که برای تأمین این کمک‌ها باید از ضبط و تصرف اموال قاچاقچیان بهره گرفت. (گروه حقوق بشر بین‌المللی، ۲۰۰۲: ۲۱) به دنبال پروتکل مزبور اعلامیه بوداپست، راجع به بهداشت عمومی و قاچاق انسان، برخی اصول راهنما در مورد مراقبت و سلامت بزه دیدگان را مورد توجه قرار داده است.

مطابق اعلامیه مزبور، اشخاص قاچاق شده به‌ویژه آسیب‌پذیران از آنها-کودکان و جوانان- باید به مراقبت‌های بهداشتی مناسب با لحاظ مسائل فرهنگی، سن، جنسیت و... دسترسی داشته باشند و کمیته استانداردهای مراقبت و سلامت در مورد آن‌ها احراز شود.

در سطح اروپائی، علاوه بر بند ۱ ماده ۷ دستورالعمل ۲۰۰۴ شورای اروپا مبنی بر ارائه کمک‌های پزشکی به بزه دیدگانی که از منابع کافی برخوردار نیستند (اسکریونکوا، ۲۰۰۶: ۲۳۰). ماده ۱۲-۱-ب از کنوانسیون ورشو نیز بر دسترسی بزه دیده به درمان‌های ضروری



پزشکی - با تصویب دولت‌ها - اشاره کرده است؛ این حمایت با آغاز فرآیند شناسایی بزه دیده و در دوره بهبودی قابل استفاده است (رافالی، ۲۰۰۹: ۲۱۰). ولی طبق بند ۳ ماده ۱۲ از کنوانسیون مزبور، کمک‌های کامل پزشکی برای اشخاصی که منابع کافی در اختیار ندارند فقط شامل بزه دیدگانی است که به‌طور قانونی در قلمرو کشور متعاهد اقامت دارند. اسناد مزبور، با ماده ۱۳ منشور اجتماعی اروپائی که از حق اشخاص بدون منابع کافی، برای دریافت کمک پزشکی حمایت کرده، منطبق است (سیمون، ۲۰۱۰: ۶۴۴-۶۳۵ و شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۴۸).

۳- حقوق اطلاعات، کمک‌های حقوقی و تسهیل مشارکت بزه دیده در دادرسی

دو ویژگی بزه دیدگان جرم، درماندگی و سلطه‌پذیری از قاچاقچیان است که بخشی از آن به دلیل نداشتن اطلاعات پیرامون وضعیت و آینده خویش است. بنابراین از تدابیر انسانی و راهگشایی که نقش مؤثر در بهبودی روانی و اجتماعی بزه دیدگان ایفاء می‌کند و به آسودگی آن‌ها در مقابل فشارهای روانی کمک می‌کند، مشاوره حقوقی و دادن اطلاعات به‌طور شفاهی یا کتبی به بزه دیدگان و به زبانی است که آن‌ها کاملاً می‌فهمند. این اطلاعات شامل حقوق قانونی و خدمات، کمک‌ها و حمایت‌های قابل دسترس برای آن‌ها در کشور میزبان، گزینه‌های متفاوتی که فراروی بزه دیدگان وجود دارد، خطراتی که آن‌ها را تهدید می‌کند، وضعیت و مقتضیات اقامت قانونی آن‌ها در کشور مقصد، اشکال جبران خسارت و چگونگی اجرای آن که خود شامل ارائه اطلاعاتی در مورد خصوصیات و نتایج دوره تعقیب، تحقیق و دادرسی، زمان دادرسی، وظایف شهود، امکان تحصیل و دریافت جبران خسارت از اشخاص مقصر به خاطر جرم یا جرایمی که مرتکب شده‌اند و... است. در حقیقت مشورت و ارائه اطلاعات باید بزه دیدگان را قادر کند تا ارزیابی صحیحی از موقعیت و وضعیت خویش به دست آورند و با توجه به محدودیت‌ها و امکانات فراروی خود، تصمیمی آگاهانه اتخاذ کنند (شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۴۹).

ارائه اطلاعات مفید و مشورت حقوقی با بزه دیدگان، به مشارکت فعالانه آن‌ها در دادرسی علیه قاچاقچیان که دولت‌ها به آن نیاز دارند کمک می‌کند، زیرا سامان دادن یک پرونده کیفری و آغاز فرآیند جنائی و اجرای عدالت در مورد مرتکبین جرم به همکاری بزه دیدگان جرم با دستگاه عدالت و مقامات صلاحیت‌دار بستگی دارد. از سوی دیگر، دسترسی بزه

دیده به عدالت و دخالت وی در دادرسی به‌ویژه برای جبران خسارات خود- نیازمند تجربه و اطلاعات تخصصی در ارتباط با هر یک از مراحل دادرسی است که بزه دیدگان معمولاً به دلایل مختلف از جمله زبان، تابعیت، آموزش و اختلاف فرهنگی از آن برخوردار نیستند و آن از صلاحیت‌های یک وکیل است. وکیل علاوه بر همراهی بزه دیده در تمامی فرآیند جنائی و دادرسی، او را در اظهار نظر و اجرای حقوقش در هر مورد یاری می‌کند، نقش بزه دیده را در فرآیند جنائی، میزان اقتدار و توانائی‌های او، زمان دادرسی و تحولات آن و به‌طور کلی وضعیت پرونده‌اش آشنا می‌کند و مضاف بر آن از تحمیل برخی آسیب‌های روانی بیشتر بر بزه دیده پیشگیری می‌کند (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، مجموعه ابزار، ۲۰۰۸: ۳۹۹-۴۰۲). دولت‌ها وظیفه دارند تا مشارکت بزه دیده در دادرسی را تسهیل و وضعیتی را فراهم کنند که او بتواند به راحتی نظرات و نگرانی‌های خود و حقوق و منافعش را در مراحل مختلف دادرسی - به شکل شفاهی یا کتبی - ارائه و طرح کند و از آثار زیان‌بار جرم بر خود که در تعیین سرنوشت پرونده کیفری مؤثر است سخن بگوید ولی انجام این مهم - در مراحل مختلف دادرسی - از عهده افراد عادی خارج و نیازمند دخالت شخص متخصص یعنی وکیل است (گروه حقوق بشر بین‌المللی، ۲۰۰۲: ۱۹-۲۰).

اما معمولاً بزه دیدگان به دلیل فقر و ناتوانی مالی از منابع کافی برای استفاده از وکیل برخوردار نیستند؛ لذا ضرورت دارد مشاورین حقوقی و وکلای و کالت رایگان یا وکالتی که حق‌الزحمه آن از طرف دولت یا گروه‌های مردم‌نهاد پرداخت می‌شود، بزه دیدگان را جهت استیفای حقوق خویش و اجرای عدالت یاری کنند.

تسهیل مشارکت بزه دیدگان در دادرسی و توجه مناسب به نظرات و نگرانی‌های آن‌ها، ضرورت ارائه اطلاعات، مشورت و وکالت برای بزه دیدگان جرم قاچاق انسان و نقشی که این موضوع در بهبودی بزه دیده و اجرای عدالت ایفاء می‌کند از نظر اسناد فراملی مربوط دور نمانده است (برسپینینگ، ۲۰۰۶: ۳۵۲). بند ۶-الف و ب از اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه دیدگان و بزه دیدگان سوءاستفاده از قدرت بر ضرورت آگاه کردن بزه دیدگان در ارتباط با نقش خود در دادرسی و سایر ملاحظات مربوط به پرونده‌شان، هرگاه آن‌ها درخواست کنند (بند الف) و توجه مناسب به نظرات و نگرانی‌های آن‌ها در مراحل مختلف دادرسی (بند



ب) تصریح کرده است. بند پنجم از رهنمود ششم مورد توصیه کمیسیون عالی حقوق بشر نیز بر ضرورت این امر تأکید کرده است (شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲: ۱۱).

بند ۳ ماده ۲۵ کنوانسیون جرم سازمان یافته و ماده ۶-۲-ب پروتکل پالمو بر تمهید وضعیتی که بزه دیدگان قادر شوند نقطه نظرات و نگرانی‌های خود را طرح و مورد توجه قرار گیرد، تصریح کرده است. ماده ۶-۳-ب پروتکل پالمو نیز به موضوع اطلاعات و نمایندگی حقوقی تصریح کرده است؛ راهنمای تفسیری پروتکل، *Counseling* را در معنای وسیع (در مقابل معنای محدودتر آن که فقط مشاوره است) آن که توسط یک وکیل و در تمامی مراحل دادرسی انجام می‌گیرد، تفسیر کرده است (گروه حقوق بشر بین‌المللی، ۲۰۰۲: ۲۲).

در سطح اروپایی نیز ماده ۵ دستورالعمل ۲۰۰۴ شورای اروپا بر ضرورت ارائه اطلاعات به بزه دیدگان جرم و در بند ۴ ماده ۷ نیز بر ارائه کمک حقوقی رایگان به بزه دیدگان و بر اساس شرایط حقوق ملی هر کشور اشاره کرده است. کنوانسیون ورشو بر دادن اطلاعات و مشاوره حقوقی به زبانی که بزه دیده آن‌ها بفهمد و بتواند گام‌های مناسب را در فرآیند کیفری علیه مجرمین در نظر گیرد در بند ۳ و ۴ از ماده ۱۲ تصریح کرده است (فولمارات و-راب، ۲۰۰۹: ۳۸). اما گزارش توضیحی کنوانسیون اروپایی^۱ را به مفهوم مشاوره و رایزنی حقوقی تفسیر می‌کند و وکالت رایگان را به وضعیتی مربوط می‌کند که بزه دیده اجازه اقامت دریافت می‌کند و برای جبران خسارات خود علیه مجرمین اقامه دعوی می‌کند؛ در این مرحله به پیش‌بینی ماده ۲-۱۵ دولت‌های متعاقد وظیفه می‌یابند بر اساس قانون ملی خود، با وکیل انتصابی از بزه دیدگان حمایت کنند. وکالت رایگان که نوعی کمک حقوقی رایگان است بر اساس مقررات داخلی هر کشور عضو است، ولی دولت‌ها ضمن توجه به ماده ۲-۱۵، باید به ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مبنی بر کمک رایگان از طریق وکیل انتصابی (رایگان) توجه کنند (شورای اروپا، ۲۰۰۵: ۵۳-۴۹).

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی قاچاق انسان عبارت است از جذب، انتقال و تحویل افراد از راه تهدید یا با استفاده از زور و اجبار یا دیگر اشکال اعمال زور، آدم‌ربایی، کلاه‌برداری، اغفال، سوءاستفاده از قدرت یا با استفاده از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری افراد یا پرداخت یا دریافت دستمزد یا سود بردن از رضایت و موافقت فرد در کنترل سایر افراد به‌منظور سوءاستفاده از آنان. قاچاق انسان به حالتی سامانمند، هوشمند، عقلانی، بازاری و اقتصادی تبدیل شده است که در نتیجه شعاع آسیب‌های (هم در حیطه فردی و هم در حیطه اجتماعی) آن نیز گسترده شده و تبدیل به یک معضل و نگرانی برای اکثر جوامع شده است. به همین علت جامعه بین‌المللی بخش وسیعی از امکانات و نیروهای قضایی و پلیسی خود را با صرف انرژی فراوان بکار گرفته‌اند تا از این پدیده شوم جلوگیری کرده و از بزه‌دیدگان این‌گونه جرایم سازمان‌یافته با بعد فراملی حمایت نمایند. راهبرد حمایت از بزه‌دیدگان به انگیزه پیشگیری از وقوع مجدد جرم و از آن‌روست که آن‌ها قربانی یک جرم‌اند و نه مجرم. حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان متکی به دلایل انسانی و بر مبنای ارزش‌های حقوق بشری است و با ارزش‌های اسلامی مبنی بر دستگیری از اشخاص آسیب‌پذیر موافق است. حمایت از قربانی به جلب اعتماد او به سازمان عدالت و همکاری او با مقامات صلاحیت‌دار و در نتیجه اجرای عدالت کمک می‌کند و راه بازگشت قربانی به جامعه را هموار می‌کند.

گونه‌های حمایت از قربانیان جرم قاچاق انسان متنوع است و اسناد فراملی مرتبط با جرم قاچاق انسان، اگرچه وضعیت مطلوبی را از این حیث تنظیم نکرده‌اند اما به پیش‌بینی کمینه تدابیر حمایتی از بزه‌دیدگان و کودک جرم سوداگری انسان اقدام کرده‌اند. از میان اسنادی که به حمایت از بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان اشاره کرده‌اند، باید به پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، به‌ویژه زنان و کودکان، تکمیلی کنوانسیون ملل متحد علیه جرم سازمان‌یافته فراملی موسوم به پروتکل پالمو و کنوانسیون راجع به اقدام علیه قاچاق انسان مصوب سال ۲۰۰۵ شورای اروپا موسوم به کنوانسیون ورشو اشاره کرد. اسناد فراملی مزبور، به گونه‌های متفاوتی از تدابیر حمایتی برای بزه‌دیدگان جرم اشاره کرده‌اند که به‌ویژه باید از تدابیری یاد کرد که بهبودی جسمی، روانی و اجتماعی بزه‌دیدگان را هدف قرار



می‌دهد: تأمین مسکن و پناهگاه مناسب و امن، اجازه اقامت، آموزش‌های حرفه‌ای و اشتغال و برنامه‌های توان‌بخشی، ارائه خدمات پزشکی و روان‌شناختی، ارائه اطلاعات و مشورت و نمایندگی حقوقی، خدمات ترجمه، عدم مجازات بزه دیده به خاطر جرایمی که در فرآیند قاچاق انسان بدان مجبور بوده‌اند و ... از مهم‌ترین اقدامات و تدابیر حمایتی است که سزاوار است بزه دیدگان جرم سوداگری انسان از آن‌ها برخوردار شوند.

پیشنهادها

الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای راجع به قاچاق در اغلب موارد پدیده‌های فراملی است. از اموری که می‌تواند در مسیر مبارزه با قاچاق انسان مؤثر باشد، همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای در قالب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه است. از این رو به منظور مبارزه اصولی و همه‌جانبه با قاچاق انسان و حمایت از بزه دیدگان پیشنهاد می‌شود بندهای زیر در تهیه و تدوین کنوانسیون‌های بین‌المللی مدنظر قرار گیرد:

الف - اولویت دادن به پیشگیری از قاچاق انسان

در مرحله اول باید از تمام ابزارهای ممکن در راه پیشگیری از قاچاق انسان استفاده شود. فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی از جمله اقدامات صورت گرفته در این حوزه است. تصویب کنوانسیون‌هایی برای تحقق این امور می‌تواند بسیار مفید و کارساز باشد. اگرچه مجازات قاچاقچیان می‌تواند تا حدی آلام آنان را کاهش دهد، ولی علاوه بر آن، نیازمند حمایت‌های بهداشتی، مالی و شغلی هستند. سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی پیشگیری از وقوع قاچاق بسیار کم‌هزینه‌تر از حوزه مبارزه است. از یک طرف از وقوع پدیده مجرمانه جلوگیری خواهد شد.

ب - حمایت از بزه دیدگان در صورت بازگشت به کشور مبدأ یا عدم بازگشت

اولین مرحله‌ای که بعد از شناسایی بزه دیدگان قاچاق باید صورت گیرد، تلاش برای بازگرداندن آنان به آغوش خانواده و کشور متبوعشان است. در این راه باید از هرگونه اجبار خودداری شود. توجه به منافع بزه دیدگان در هنگام بازگرداندن آن‌ها به کشور بسیاری ضروری است؛ به این معنا که ممکن است در برخی از موارد عدم بازگشت به وطن اصلی،

مفیدتر از بازگشت آن‌ها باشد؛ از این رو بیان شده است که باید توجه به عالی‌ترین منافع بزه دیده، همانا وجه همت مقاماتی باشد که قصد بازگرداندن بزه دیده را دارند. در چنین شرایطی که عدم بازگشت بزه دیده بیشتر در جهت منافع اوست، باید شرایطی فراهم شود که هم از سوءاستفاده بعدی جلوگیری شود و هم امکان و شرایط زندگی در کشور مقصد مهیا شود.

پ- معافیت بزه دیدگان از مجازات

یکی از علل عدم بازگشت بزه دیدگان ترس از مجازات در صورت ورود به کشور است. در بسیاری از موارد بزه دیدگان به دلیل ترس از مجازات، اقامت در کشور مقصد هر چند با شرایط بسیار بد را ترجیح می‌دهند. از این رو باید به بزه دیدگان اطمینان داد که در صورت بازگشت، از هرگونه تعقیب جزایی مصون هستند.



فهرست منابع

- ابراهیمی سنو، مجتبی (۱۳۹۰) «تحلیل بزه دیده شناختی قاچاق زنان و کودکان از منظر بین‌المللی و حقوق ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، دانشکده علوم انسانی
- اکبری، آزاده (۱۳۸۳) «قاچاق ۳۰ میلیون زن در ۳ دهه گذشته»، روزنامه وقایع اتفاقیه، شمارگان مورخه ۱۳۸۳/۰۴/۲۲
- بیابانی، غلامحسین و سوری، حمید (۱۳۹۱) «قاچاق انسان؛ جرم روزافزون بین‌المللی»، مجله مطالعات بین‌المللی پلیس، سال دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۱
- بشریه، حسین (۱۳۸۶) «آموزش دانش سیاسی»، چاپ هشتم، تهران، نشر نگاه معاصر
- بیگی، جمال (۱۳۸۹) «راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان»، مجله فقه و حقوق اسلامی، دور اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۹
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲) «قاچاق انسان در فقدان بایدها و نبایدها»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۹
- سلیمی، صادق (۱۳۸۳) «قاچاق اشخاص به عنوان یک جنایت سازمان یافته فراملی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳
- شاکری، مینا (۱۳۸۶) «نگاهی به قربانیان قاچاق انسان: برده‌هایی اسیر در چنگال هموعان موضوع برده‌داری»، نشریه مردم‌سالاری، شمارگان مورخه ۱۳۸۶/۰۷/۱۲
- شهبازی، حامد (۱۳۸۱) «انسان‌های گم‌شده (قاچاق انسان)»، نشریه همشهری، شمارگان ۱۳۸۱/۰۶/۰۷
- صادق نژاد نائینی، مجید (۱۳۸۷) «انواع حمایت از بزه‌دیدگان قاچاق انسان در قانون ایران و اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد
- علیپور، عباس (۱۳۸۹) «بررسی وضعیت قاچاق انسان در ایران (معضلات و پیامدها) و ارائه راهکارهای مناسب برای کنترل این پدیده اجتماعی»، فصلنامه

رهنامه سیاست‌گذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۹
- علیپور، محبوبه (۱۳۸۲) «تجارت مخوف؛ دو میلیون زن و کودک قربانی برده‌داری

دنیاى امروز»، نشریه قدس، ۱۳۸۲/۰۹/۲۲

- عینی، محسن (۱۳۹۰) «حمایت از بزه دیدگان جرم قاچاق انسان در اسناد
فراملی»؛ مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- قوام‌ملکی، حمیدرضا (۱۳۸۸) «قاچاق انسان»؛ فصلنامه مطالعات بین‌المللی
پلیس، دوره اول، سال اول، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۸

- قرائی، پروین (۱۳۸۶) «بررسی جرم شناختی و قانونی مبارزه با قاچاق انسان»؛
خبرنامه انجمن ایرانی جرم‌شناسی

- گرهارد، ورله (۱۳۸۷) «جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل معاصر»؛ ترجمه
امیر ساعد و کیل، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره پنجم، شماره ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۷

- لی، مگی (۱۳۸۸) «قاچاق انسان»؛ ترجمه بهرام بارانی، تهران، نیروی انتظامی
جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی

- یارانی، آرش (۱۳۸۹) «قاچاق زنان بزهی بر ضد کرامت زنان»، برگرفته از سایت اینترنتی
<http://www.law-biding>

- وثقی، احمد و اسفندیاری، گلپر (۱۳۸۷) «قاچاق انسان؛ بردگی در عصر جدید»؛
فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۳،
پاییز ۱۳۸۷

- Adamoli, S., A. Di Nicoli, E. Savona and P. Zoffi, (1998) "**Organized Crime
around the World**", Helsinki: European Institute for Crime Prevention and
Control (HEUNI).

- Aronowitz, Alexis A, (2001) "Smuggling and Trafficking in Human Beings:
The Phenomenon, The Markets that Drive it and the Organisations that Promote
it", **European Journal on Criminal Policy and Research** 9: 163-195, Kluwer
Academic Publishers. Printed in the Netherlands.

- Bose, Martin (2009) "**The Evaluation of European Criminal Law**". Brux-



- elles, Ice (Institut D'e Etudes Europeennes).
- Braspenning, Cindy (2006) "Human Trafficking in The Netherland: The Protection of and Assistance to Victims in Light of Domestic and International Law and Policy". **Intercultural Human Rights Law Review**, 1: 329-379.
 - Council of Europe (2005) **Explanatory Report on the council of Europe Convention on Action against Trafficking in Human Beings**. Warsaw. Available at: <http://conventions.coe.int/treaty/en/treaties/html/197.htm> (10/09/2011).
 - Drew, Sandhya (2009) "**Human Trafficking- Human Rights**". London: Legal action group.
 - Follmar Otto, Petra and Rabe, Heike (2009). "**Human Trafficking in Germany**". Berlin: German Institute For human Rights.
 - Gunatilleke, G. (1994) "**Summary of the Report of the Rapporteur, International cooperation in fighting illegal immigration networks**". IOM Seminar on International Responses to Trafficking in Migrants and the Safeguarding of Migrant Rights, Geneva, 26-28 October.
 - Gallagher, Anne (2006) "Recent Legal Development in the Field of Human Trafficking". **European Journal of Migration and Law**, 8: 168-189.
 - Hodge, David R. (2008) "Sexual Trafficking in the United states: A Domestic Problem With Transnational Dimensions". **Social Work**, 53: 143-151
 - Hodge, David R. (2008) "Sexual Trafficking in the United states: A Domestic Problem With Transnational Dimensions". **Social Work**, 53: 143-151.
 - International Human Rights Law Group (2002). "**The Annotated Guide to the Complete UN Trafficking Protocol**". Washington: Global Rights.
 - Kendall, R. (1999) "**Recent trends in international investigations of trafficking in human beings Paper presented at the International Conference on New Frontiers of Crime**": Trafficking in Human Beings and New Forms of Slavery, Verona, 22-23 October.
 - Louise Herz, Annette (2006) "**Trafficking in Human Beings; An Empirical Study on Criminal Prosecution in Germany**". Freiburg: Max planck institute.

- Leidholdt, Dorchen A. (2006) "Strategies for Combating Human Trafficking Within the united states, Canada and Mexico". **Intercultural Human Rights Law Review**, Vol. 1, pp: 91-96.
- Martinez, Jacqueline Oxman and Hanley, Jill and Gomez, Fanny (2005). "Canadian Policy on Human Trafficking: A Four – year Analysis". **International Migration**, 43 (4): 7-27.
- Morehouse, christal (2009) "**Combating Human Trafficking. Berline**": Vs-verlag.
- Piotrowicz, Ryszard (2009) "The legal Nature of Trafficking". **Intercultural HumanRights Law Review**, 4: 175-203.
- Piotrowicz, Ryszard (2009) "The legal Nature of Trafficking". **Intercultural HumanRights Law Review**", 4: 175-203.
- Raj, Anita and Jay Silverman, (2002) "**Violence Agaiensst Immigrant Women, Violence Against Women**", vol. 8, No. 3, March.
- Raffaelli, Rosa (2009) "The European Approach to the Protection of Trafficking Victims". **German Law Journal**, 1 (03): 205-222.
- Richard, A.O.(1999) "**International Trafficking in Women to the United States: A ContemporaryManifestation of Slavery and Organized Crime**". Center for the Study of Intelligence, State Department Bureau of Intelligence, US State Department.
- Shelley, Louise I.(2010) "Human Trafficking: A Global Perspective", **Cambridge University Press**, United States.
- Shelley, Louise I.(2010) "Human Trafficking: A Global Perspective", **Cambridge University Press**, United States.
- Skrivankova, Klara (2006) "Combating Trafficking in Human beings". **international Review of Law Computers and Technology**, 182: 229-232.
- Schmidt, Armando Garcia (2008)" Human Trafficking: Europe's New schame and Disgrace". **Spotlight**, 4: 1-8.
- Scott,Sara and Harper, Zoe(2006) "Metting the Needs of Sexually Exploit-



ed Young People: The Challenge of Conducting Policy- Relevant Research”. **Child Abuse Review**, 15: 313-325.

- Simon, Hannah (2010) “Human Trafficking from an International protection perspective”. **Penn state International Law Review**, 28 (4): 600-673.

- Simon, Hannah (2010) “Human Trafficking from an International protection perspective”. **Penn state International Law Review**, 28 (4): 600-673.

- Skrivankova, Klara (2006) “Combating Trafficking in Human beings”. **international Review of Law Computers and Technology**, 182: 229-232.

- United Nations, Economic and Social Council, (2002) “**Recommended Principles on Human Rights and Human Trafficking**”. New York: United Nations. Available at: <http://www.unhcr.org/refworld/docid/3f1fc60f4.html> (10/09/2011).

- United Nations Office on Drugs and Crime, (2008) “**Toolkit to Combat Trafficking in Persons**”. New York: United Nations Publication.

- Vocks, J. and J. Nijboer(2000) **The promised land: A study of trafficking in women from Central and Eastern Europe to the Netherlands**. *European Journal on Criminal Policy and Research*, 8(3) , pp. 379–388.

- Ventrella, Matilde(2007) “Protecting Victims of Trafficking in Human Beings in the UK: The Italian ‘Rimini Method’ that could Influence the British Approach”. **Migration and Refugee Issues**, 3 (2): 40-63.